

(عنوان مراسلات)
اسکندریه

(اداره چهره نما)

صندوق پست

نمره ۵۳۳

ALEXANDRIE
CHEHRE NUMABoite de la Poste
No. 533

اعلان سطری

دو فرنگ در تکرار

باداره رجوع شود

ظروف

وپاکت های بدون

تقریبول نخواهد شد

چهره نما

۱۳۲۲-۱۹۰۴

جريدة مصور

غرد رمضان المبارک ۱۳۲۲ هجری مطابق ۸ نوامبر ۱۹۰۴ میلادی

وجه پست داخله و خارجه بمهده اداره است

(قیمت آئونه سالیانه)

اسکندریه و قطر مصر

سه ریال ۳

ممالک دولت علیه ایران

سه تومان ۳

بلاد محروسه عثمانی

چهار مجیدی ۴

انگلند هندوستان

ده روپیہ ۱۰

قفقازیه ترکستان

هشت منات ۸

اروپاچین بیست

فرنگ ۲۰

این روزنامه مصور و آزاد و بدون القاب موقتاً ماهی دو بار و بعد هفته کی طبع و توزیع میشود

فهرست مندرجات

سیاسی - نطق جنرال کورپاتکین سپهسالار
قشون روس - جنرال کورپاتکین - چهره نما -
ترجمه از روزنامه نویفورمیا منطبعه پترسبورگ -
چهره نما - کردستان - تشکر از معارف پروری حضرتوالا
شاهزاده معظم صدر اعظم - بقیه مقاله النظافة من
الایمان و ۰۰ - ژاپون عثمانی - مکتوب از مصر -
بندر لنکه - اعلان از طرف دولت علیه ایران -
چهره نما - رعیت پروری - اترلی - بهانه جراید
فرنگ - تقریظ - تلکرافات

سیاسی

عالم سیاسی اقصای شرق با کثرت قلاقل
واضطراب و شدت چپاول و التهاب که انظار دقیق
سیاسون عالمرا بنجود معطوف و افکار رقیق نکته شنا
سانرا بنجواش مصروف داشته جسته جسته مقتضیاتش
در دوائر دول اروپا کسب اهمیت پیدا میکنند و شراره
آتش فتنه اش تا انتهای غرب ادناراد است اندازی
میخواهد کند چنانچه در این چند روزه
وقوع بعضی وقایع عظیمه و حدوث برخی حوادث
مهمه دلیل و بیم از آنست که آسمان استقبال دول غرب را

رها شد - فوری از لندن اوامر مؤکده بامیرالبحر انکلیس (امیرال بردجان) صادر شد که اسطوهای جنکی و کشتیهای زرهپوش و کز مه و شکاری و تورپیدهای تحت البحری و موشک شکنهای آبی را از دریای (المانش) (و دریای سفید متوسط) و میاه تمامی بچار مستعمرات انکلیس حرکت بدهد و کوش براه فرمان ثانوی بوده باشد اعلاحضرت امپراطور روس بمجرد استماع این خبر مخالفت اثر تلکرافات عدیده که مبنی بر اعتذار و تأسف و حاکی بر وداد و تطف بوده با اعلاحضرت ادوارد هفتم پادشاه انگلستان نمودند و از حرکات ناشایسته اسطول بالتیک و (جنرال روجستیف نسکی) پوزش طلبیدند لاکن تهیج عمومی انکلیسان مانع از تسهیل فیصله مشاجره و معارضه دولتین انکلیس و روس گردید از انرو باب تلکرافات شدیدیه باز و دست اعتراضات عدیده انکلیس در از گردید (رئیس جمهوری آمریکا روز فیلت) که سراپا مجسمه صلح و صلاح و پای تاسرقائه فوز و فلاح دول و ملل عالمست پای وساطت و مقام منیع انسانیت بمان نهاد اینک انعقاد مجلس تحقیق در پاریس خواهد شد اعضاء منتخبه مرکب از پنج نفرند که هر یک از دول اربعه (آمریکا) (فرانسه) (انکلیس) (روس) بهصنویت معین شده اند و پنجمین باید بامضا و تصدیق این چهار عضو بوده باشد و در این مجلس بحث از خطا و صواب (روجستیف نسکی) فرمانده اسطول بالتیک و صیادان بحر شمالی انکلیس خواهد شد نتیجه مجلس بعدها معلوم خواهد شد اگرچه ظنون اغلب نکته دانان بر این است که

چون لیل مظلم تیره و تاریک و بدر منیر آز و آمال فرمانفرمایان اروپا یکسره نزار و باریک نماید و آرزوهای متعاده روس با میدواری روی نهد و جنک عمومی صلاهی عام الوحشه در دهد - من جمله جسارت و کستاخی اسطول دریای بالتیک (دسته کشتیهای جنکی روس) نسبت بکشتیهای ماهی گیری و صیادان دریائی انکلیس است که سخت افکار سیاسیوزرا متشتت ساخته است و ان حادثه فتنه انکیز و واقعه وحشت خیز این است که اسطول بالتیک (دسته کشتیهای جنکی روس) که انک زیاد از چهل روز است با کروف تمام بچان اقصای شرق و بعزم تلاقی با کشتیهای جنکی ژاپون ادر دریای اصفر بمرکت آمده است در بحر شمالی که زم ستملکات انکلیس بشمار است تصادف با کشتیهای صیادی انکلیس که صید ماهی مینایند! میکند سردار کل روس (جنرال روجستیف نسکی) بچان انکه شاید اینها جاسوس باشند بدون تحقیق و تعمق امر بحرق کشتیها و غرق صیادان میناید (کشتیهای ماهی گیری زیاد از صد عدد بوده است) آنچه ان بیچاره گان بیکناه تضرع و لابه و الحاح و انابه میکنند سودی نی بخشد و آنچه باید نشود میشود این سانحه غریبه و واقعه شنیعه باعث تهیج فرق صیادان و تحرك رك عصیت هیئت جامعه انکلیسان گردیده شد یکباره عنان اختیار و واگذاری و مهام سکونت و چاره دار از کف با کفایت نخستین نهنک خونخوار بحر پیمای هر در با دولت بریطانیای عطا

این حرکات جسورانه اسطول بالتیک عاقبت منجر
 بمنزعه فیما بین دولتین انکلیس و روس خواهد گردید
 وانکلیس را پای انتقام استوار و دست باز خواست
 درازاست مارا عقیده براین است که
 دولت انکلیس باقتضای رموز سیاسی حال پیرامون
 جنگ نکرده و افکار خود را عبت متشتت این جزئیات
 نسازد فقط هم خود را حتی المقدور مصروف اغتشاش
 نمودن حواس رقیب مینماید و اقتدر در این جزئیات
 شاخ و برگ میکند که مدتی متادای روس را گرفتار
 جواب و سئوالات لا طایل نموده باشد و معلوم است
 در این وقت که دولت روس گرفتار دشمن قوی پنجه
 آهنین بازو است ضیق فراغت باعث خسارت و گرفتاری
 بامورات متفرقه او موجب پیش قدمی خصم است
 چنانچه این اخبارات متوحشه متفرقه متحصنین
 بندر پور آرترا سخت از حیات نا امید و از امداد
 رسیدن مایوس کرده است و جراحت یا فتن (جنرال
 ستوسل) سردار کل قشون روس در بندر هم زیاده
 لشکر یان روسرا کسل و ژاپونیانرا جری ساخته و درین
 چند روزه یرشهای دلیرانه ژاپونیان اغلب قلاع متینه
 و سنگرهای منیع را بتصرف آورده (ما شرح حصن
 حصین و قلاع متین بندر پور آرترا در بندر سیاسی
 گذشته ها نکاشتیم) و جنود بری و بحری ژاپون لیل
 و نهارا اشتغال بحرب داشته اند و دفعه بعد دفعه هجرات
 دلیرانه مینموده اند عده مقتولین و مجروحین این چند
 روزه دولتین متقاتلتین در بندر پور آرترا بیست و دو هزار
 بوده است و اما میدان مقصد و دست

از جنگ باز داشتن و راحت گردیدن جنود منتشره
 و لشکریان ژاپون و روس فقط کثرت پروت و شدت
 نزول رحمت مانع بوده است میتوان گفت آسمان
 شعبده باز که دیده اش بسا معارک سراسر مهالک
 و جنگهای بزرگ و نبرد های سترک دیده و تا امروز
 چندین هزار کرو را از جنس بشر بجهت کشته گردیدن
 پروریده بحال اسف اشتمال این دولشکر خوانخواز
 که چون قلم ذخار کف ریز و خون پاشند و از کشته
 های نوع خود پشته ها میسازند و جانها میبازند بگریه
 آمده و چرخ کینه جو با آن کرمی شرارت انگیزی که
 رویه اوست از خونریزی انسانی و کشته شدن این
 بیچاره گان دل سرد گردیده و اثر برودتش را باین
 دولشکر بخشیده که کمتر خون ریزند و در پی سفک
 دماء جنس خود بر خیزند اگر و فور باران و پروت
 مانع نبودی فیصله جنگ مقصد و تخلیه نواحی او
 و قبضه تصرف ژاپونیان آمدن مقصد حتمی الوقوع
 بود با این شدت حال و نزول باران و سردی هوا
 ژاپونیان غنلت ندارند و در هجرات دلیرانه تکاسل
 نورزند چنانچه تا پنجاه متر فاصله اراضی ضواری نهر
 (شاهو) و قریه (ارداغو) که واقع در شمال مقصد است
 و از بزرگترین قراء مقصد بشمار میرود در تصرف
 ژاپونیان در آمده و مقدار ذخایر یکه غنیمت ژاپون
 شده است از توپ و تفنگ نا معلوم بوده اسرای روس
 که گرفتار شده ۲۰۵ بقلم آمده بالا پوش زمستانه
 دولشکر از ژاپونیان بطور اکل رسیده بوده و از
 روسیان ناقص بوده است

نطق جنرال کورپاتکین سپهسالار قشون روس (بلشکریان در اقصای شرق)
 ای عساکر و برادران من بیاری خداوند همه
 زنده بماند در راه وطن عزیز بدانند و آگاه باشید
 که در این کلام کسی از شماها مستثنایي شود همگی
 شماها در فنون جنگ و رزم آزمائی و شجاعت
 و دلای وری مشهور آفاق هستید با وجود این حالت
 میبینم شماها مضطر شده اید در این جنگ بزرگ که

علم و فن خدعه جنگ اصول لشکری نیست از قد دلارا و نشان افسری



Le Général Russe KOUROPATKINE

— جنرال کورپاتکین —

(سپهسالار کل قشون روس در اقصای شرق)

اول جنگ دنیا است حق دارید دشمن شجاعست و دلیر و مستقیم و موافق و صاحب عزم و حزم
 و استطاعت قوی میخواهد او را ذلیل کردن اما شکست دادن او را ما دارا هستیم مگر آنکه شماها باید از معنی

اتفاق و اتحاد و وطن دوستی اورا از جاي بر کنيد
 و اگر از حسب آلات ناربه و ادوات حربيه است
 که ما کمي از دشمن نداريم پس چه وادار کرده
 است شمارا بقرهرا و جا خالی کردن و سنکرهاي
 متينه را تسليم داشتن اي برا دران و لشکريا ينکه
 در قلل جبال و ته دره ها جا گزيده ايد و مسکن
 داريد و بعضی جاهاي نيکو داريد که بتصادف
 هجرات دشمن دور است و برخي منازل داريد که
 بزودي در چنگال دشمن مي افنيد از شماها اميد
 دارم که کوش فرا دهيد و بخوي بشنويد و همکي
 آگاه باشيد که اول منکه سپهسالار شام و بعد
 شاحتی يکنفر از تمامی لشکريان که در اين ميدان
 حاضر شده ايد هر کز روي وطن عزيز نخواهيم
 ديد مگر مظفر و منصور شويم يا انکه در راه وطن
 عزيز و دوستي و محبت اعلحضرت امپراطور همکي
 جان بسپاريم پس بايد در هر مصاف متفقا غايه
 پيدا کنيد و دليرانه بکوشيد تا نسيم ظفر و نصرت به
 بيق ما بوزد و خاک وطن را از دشمن پاک کنيم
 از شنيدن اين بيانات لشکريان بعضي صداها را
 بکريه و برخي بهورا بلند کردانيدند

— چهره نما —

بلی ماها از عدم علم و معرفت و کثرت بي
 موالاتي و غفلت بقسمي از آداب داني و تکالیف

معينه وطن شناسي بيکانه شده ايم و در وظايف مقرره
 مفروضه وطن پرستي بي بهره ايم که ذره در پی
 شئونات محبت وطن گرامي که هر نوع فدا کاري
 و جان نثاري در راه حفظ استقلاليت و ترقیات او
 رواست نيستيم و نميدانيم معنی وطن و محبت وطن
 چیست و توصيه پيغمبر اکرم را که مي فرمايد (حب
 الوطن من الايمان) بطاق نسيان و فراموشي زده ايم
 و دست آويز خود اين فرد شعر را کرده ايم که
 (اين وطن مصر و عراق و شام نيست * اين وطن
 شهريست کورانام نيست) خوبست کسانیکه اين
 شعر را وسيله وطن شناسي قرار مي دهند و چشم پوشي
 از حقوقات واجبه وطن مقدس مينانند اين ايات را
 هم حفظ کنند (اقتلوني اقتلوني يا سقات * ان في
 قتلي حيات في حيات) (هر که در راه وطن
 گرديد خوار * هست نزد خلق و خالق کامکار
) هيچ کسرا مينشد ايمان تمام * جز بچ دار باقي
 والسلام) ضرري ندارد غيرت و عصبيت را ماها از
 جنرال کورپاتکين ياد بکبريم او در راه وطن عاربه
 که هنوز مقام و ظنيت پيدا نکرده است اين قسم سر
 بکف فریاد و اوطناميزند و مقام استقامت خود را
 تا حد سر بازي و جان سپاري در راه وطن ميرساند
 در حالتيکه همه ميدانند دشمن اورا از وطن

طرد میکنند ماها و طنیکه در راه استقلالیتش نیاکان
پاکافان و سلاطین نامدا مان خونها نثار کردند و بالغ
بر چندین هزار سالست دراوشو و نما کرده ایم این
قسم لاقید و لا ابالی بر اسم ادای حقوقات معینه
مقدسه اوهستیم (انها که نیست حب وطن در وجود
شان * ایکاش باد فتنه کند دودمانشان

ترجمه از روزنامه نویفورمیا

(منظومه پترسبورغ)

سال گذشته که لارد کوروزن فرما نقرمای هندوستان
مسافرت بد بنادر خلیج فارس و جزایر بحر عمان که از
مستملکات مستتله دوات علیه ایرانست نمود چندان این
مسافرت بجهت انکلیسان منتج به نتایج مفیده واقع نگردید
این است انکلیس اینک که میبندد دولت شمالی
ایران گرفتار است وقت را غنیمت دانسته تدارک جمعیتی
باسم کسیون تجارقی از طریق دریاه بندر عباس رهسپار
میناید و بر حسب ظاهر جیب و دامان آنها را از صنایع تشنگ
و بدایع خوش آب ورنک پر کرده که هر جا برسند بنایانند
حرفه و مقصود خود را و در باطن آنها را درس شناختن بعضی
مقاصد پوائیکی و آمزش با بعضی از رؤسا و سر حد داران
و فریفتن اشخاص خائن جاهل که در آن نواح و ضواحي
ساکن هستند داده است پس از ورود کردن
به بندر عباس از راه غیر رسمی و طریق خارج حرکت
مینایند و محقق است در هر جا از بدل جیفه و منال دنیائی
فروگذاری نخواهند کرد و مشتی طلای انکلیزی بخش
خواهند نمود و چنانچه بعضی جهال که در سلك عمل
هستند و غیرت ایلی و چادر نشینی آنها را مانع است از
گرفتن رشوه و ادار کرده است آنها را بترسانند و با موعاید

آینده بگذرانند و اگر این کسیون مدت توقفشان در
سیستان زیاد شد خطرات عظیم بوقوع خواهد پیوست
و محقق است محض ورود و توقف چند روزه این (کسیون
تجارقی) در سیستان روسیازا صعوبات زیاد در نفوذ
پیش خواهد آمد و اگر روسها بواسطه (موسیو مولار)
قونسل روس مداخلات بنمایند میتوان حفظ نفوذ روس را
تسلیم کرد چه که قونسل مذکور شخص دانا با تجربه
است و الا این تدارکات انکلیس اشکارا و مخفیانه و تمین
مدت زمان آنها و باز بفر (کسیون تجارقی) دیگر در
استقبال نفوذ روس در جهات شمالی ایران سکتیه بزرگ
خواهد انداخت و معلومست تاروس فراغت ندارد و سرگرم
بچنگ اقصای شرقست انکلیس کار خود را میکند چرا که
انکلیس باین بگذسته و دودوسته جمعیت تجارقی (کسیون)
کفایت نخواهد کرد باز از هر طرف بوسایل واسامی مختلف
بلباس تجارت آدم میفرستند پروگرام این کسیون
این است که پس از رسیدن به بندر عباس حرکت به
سید اباد و از انجا بهرام اباد که بهترین بلاد پنبه خیز
زر ریز بلوچستانست حرکت بکرمان مینمایند و از کرمان
بطرف بم و زما شیر که دو مرکز عمده تجارقی ما بین
بندر عباس و سیستانست رهسپار میگردند و از انجا تجاوز
نموده بوادی جسیون و بعضی اراضی دیگر باسم گردش
و سیاحت میروند دستور خوراک و پوشاک و تدارکات لازمه
بقونسل انکلیس مقیم کرمان داده شده است حال نباید
روس آسوده بوده باشد مطابق نقشه انکلیسان در حفظ
نفوذ خود بکوشد و بهر شکلی هست یا باسم کسیون
یا باسامی دیگر چند نفری تجار بفرستند هم در انظار ایرانیان
ظاهر بین از وقع روس کاسته نمی شود و هم با انکلیسان
همسری کرده از حقوق خود عقب نماند

چهره نما

هر که نقش خویشتن بیند در آب (هم چنانچه
رقبای شمالی و جنوبی ایران در مقاصد غیر مشروعه

* کردستان *

وفایع نکار محنوم چهره نما مینکار د بجمدا الله
 از توجهات کامله و اهتمامات وافیه جناب جلالتاب اجل اکرم
 اعظم افای ناصر الملک فرمانفرمای امور ایالت کردستان
 قرین نظم و شهر و سرحدات منتظم جنابان بیان
 السلطنه و مشیر دیوان پیشکار شب و روز بر تق و وفق
 امورات ولایتی و وصول و ایصال مالیات دیوانی و اسباب
 ترفیه حال رعیتی اشتغال داشته و دارند
 و از اهتمامات جناب میرزا حبیب الله خان امورات کمرک
 کردستان منظم است ناخوشی و با که پامساله در غالب
 ممالک محروسه شوری از محشر نمودار نمود بجمدا الله از
 اهتمامات و محاسن نیات ایالت جلیله در کردستان تخفیف
 کایه داشته از تفضل پرور دکار جل شانسه عده اموات
 تا حال تحریر که ۱۴ شهر رجب است من حیث الجهات
 بسبب پنجاه نفر رسیده (یعنی مبتلایان باین مرض که
 دنیا را وداع کرده اند از اول تا آخر سبب و پنجاه بوده)
 الحمد لله حال بکی رفع و با المره دفع شده و اناری از مرض
 مذبور باقی نیست و بعد الايام اطلاعات خود را معروض
 میدارد

* تشکر از معارف پروری *

(حضرت والا شاهزاده معظم عین الدوله صدر اعظم)

« بقلم یکی از ادبای نامدار اسلامبول »

(عطف به تشکر و امتنان از شماره ۱۱)

مدیر محترم کرامی جریده چهره نما . . . نمره (۸)
 روزنامه مبارکه که حاصل زحمات و همت عالی شما بود
 رسید موجب یکمالم خوشنودی بود ولی افسوس که هنوز
 دزدان راه زن راه کاروان معارف میپزند و رفقا با وجود

دیرینه خود تغافل ندارند و ذره در پیشرفت تحطیات
 مذمومه تکاسل نوزند خواه در فراغت حال یا عین
 گرفتاری و اشتغال . وزرای کارا گاه و رجال دولخواه
 دولت علیه ایران هم کمال فطانت و منتهای متانترا
 بخرج خواهند داد امروز تمامی سیاسون نکته
 سنج اروپ و موشکافان دواژ پولتیک فرنک یکقلم
 و یکزبان متفقد که تبدلات فائقه و تغییرات قاهره
 ملکی و ملی ایران که تمامی علامتستکه هیئت
 جامعه دولت و ملت ایرانی چهارپله یکی بسلم ترقیات
 بالا میروند از افکار صائبه و نیات ناقبه شخص شخص
 حضرت شاهزاده معظم صدر اعظم است و توان
 اطمینان کامل داد که حصول ترقیات محیر العقول
 سی ساله دولت ژاپوزا کفایت و درایت صدارت
 عظامی ایران در ظرف پنجسال بجهت ملت و مملکت
 ایران حاصل خواهد کرد با این مراتب
 واضحه نمیتوان اقدامات مخفیانه انگلیس و روسرا
 با انکه تشمت خیال و پیریشانی احوال دارند مقرون
 بصواب دانست بلکه توان گفت بجمدا الله روز بروز
 از نفوذ تجارقی و سیاسیشان کاسته خواهد شد این
 خیالاتیست خام و نقشه های بد فرجام عهد کر به
 رقصانیدن و خرس به بازار آوردن گذشت دولت
 انگلیس یا دولت روس چنانچه خیالاً بهر طرف رواند
 یقیناً رجال حق و دولت و شاه و نمک شناس دولت
 علیه ایران از هر طرف به تعاقبشان دواسبه دواند
 که گفته اند (هر که نقش خویشتن بیند در آب

چیدن ثمرات بد از نادانی خودشان خیلی خوشحال هستند اگرچه قدرت فالمرده بحمد الله کره کشائی و نو عروس هنرچهره نمائی نمود ولی رفیقان در کره کور زدن و راه دور پیش پا گذاشتن اصراری دارند (از آن طرف که نوئی راه کاروان باز است) تذکره سانی رسید شرحی بر سبیل حکایت شکایت کرده بودید خوش گفت حکیم معنوی ما (ان یکی عاشق به پیش یار خود * میسرود از خدمت و از کار خود) هنوز اول منزلت است که در طریق عشق پیش آمده دیوانه نشده اید منک نخورده اید و پیرانه نه نشسته اید خویش بیکانه از شما ابراز نفرت نکرده اند خسارتها ندیده اید از تجارت هم عقب نمانده اید نسبت لا مذهبی جهال بشان داده اند و حرف لا ابالی مشربی در حقان نگفته اند اول هنگامه شیب است و نخستین عفوان جوانیست ثابت باشید و مستقیم چهره خود را آب و تاب بدهید و بجهت آرایش چهره چهره نما خچک هنرمندی بکار برید (ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز) ثابت قدم را از رفیق کاشانی و همعصر خودتان یاد بگیرید این مسئله محقق است که هوای اصفهان از جهت جیاد بر هوای کاشان ترجیح دارد همیشه اطفال این مملکت از زمان باستان بر کهول و فحول در متانت فکر و ثبات قدم بر تری داشته اند تاریخ دنیا شاهد من و شما است هزارها مناظره در این راه است که پیش گرفته اید فردا خواهید دید که صدای تکفیر در حق شخص جبل المتین بلند خواهد شد شاید تکفیر دامن گیر شما بشود (مهزنا علی اصغر خان امین السلطان بیکی از دوستان جبل المتین پیغام کرده بوده است که صد هزار تومان برای این کار کنار گذاشته ام و توهم علم را که می شناسی) انوقت جبل المتین چه میکند روزنامه نگاری را ترك میکند خرد صبر میکند مردم ایران چه میکنند روزنامه او را نمیخوانند چرا میخوانند هیچ لزومی ندارد صاحب روزنامه مسلمان باشد چون صاحب امتیاز روزنامه (مس لندن) و یا (نن پاریس) و یا (نویور میای روسی) مسلمان نیست و ماهر سه را میخوانم او را هم میخوانیم نه ما از

میدان خواندن در هر روز نه حل المتین و نه شما از میدان نوشتن در ابتدا واضح بنویس اسم ساهی در چهره نما اسباب شك و شبهه بوده اگر چه ساهی بواسطه نبودن در بند اسم و بسته کی برسم و حقیقت چشم پوشی از تصریح اسم کرده بودید لکن بهتر توضیح اسم بود که انهم نموده اید چون يك روزنامه همین قسم که میتواند از نافع بکتم صحبت بدارد ممکن است که در مضار انها هم حرفی بگوید من اهل تعارف نیستم تا بحال کسی از من تعریف یا تکذیب کبیرا در روزنامه ندیده است در صورتیکه تمامی دوستان من میدانستند که من امین الدوله پرستم ابتدا در روزنامه تعریفی از ایشان بامضای خودم ننوشتیم بلی همین قدر قدر وجودش میشناختم و غایبانه نزد ارادت ما حضرتش میباختم ولی بدون هیچ مدانه در مقام حقیقت کوئی میکویم این ظهوراتی که فعلا از حضرت اشرف والا عین الدوله صدر اعظم مشاهده میشود هیچ انتظاری نمبردم کنه نیست این ظهوریست خلاف طبیعت تا مسند صدارت بوجود این مرد بزرگوار که فخر آریخی ایرانست آراسته است هیچ جای شکایت از عدم بشیرت مقاصد نباید کرد و در هر بله باید بخود انوجود مبارك التجا کرد خواه در حال مهر یا هنگامه مهر (همچو انطفلی به پیش والده * وقت قهرش دست در او زده) (اونداند که جز او دیار هست * هم از او هشیار هم از اوست مست) معلوم است در مقابل این اعتماد ارباب اطلاع شخص صدارت ایشانم ساهی هستند که کار را بجائی برسانند که در صفحات تاریخ به (بسمارك) ایران معروف شوند باری باندرز های دوستانه و در دودهای عاشقانه مشغول شدیم و کاغذ مفصل شد و رشته صحبت از مقام مقصود کسبخت بقیه دارد

(بقیه مقاله النظافة من الايمان والاحتكار آفة العمران)

(از شماره ۱۱)

خالق متعال محض ترفیه حال عباد کتابی مشحون

از حکمتهای کونا کون فرستاد و به آیات واضح و بیانات لائح از خیر و شر جزئیات و کلیات موجودات ما را آگاهی فرمود که راه از چاه و ثواب از کنه بدانیم و انکتاب مستطاب را دایم بخوانیم و راه معیشت و معاد و امور زنده گی و حیات و رذایل مذمومه و خصایل مدوحه را بشناسیم و خود را از فاسد و مضرات برهانیم (ولا تلقوا بایدیکم الی التهلكة) اگر چه (برسیه دل چه سود خواندن و عظم * زود میخ آهنین بر سنک) اما ما بر حسب وظیفه مقدسه روزنامه نکاری و انباء وطن پرستی برخی از محسنات نظافت و شرحی از مضرات کسافت مینکاریم شاید انباء وطن عزیز پنبه غفلت از کوش بدر کنند و چشم بینائی و مردمی بکشایند و بدانند که نص آیه شریفه قرآن مجید است که خداوند میفرماید (من کان فی هذه الاعمی فهو فی الآخرة اعمی و اضل سبیلا) کسیکه در واجبات دین و رسومات آیین خود روشن نشد و احکام الهی را پشت سر انداخت و کور کورانه راهی رفت در آخرت هم کور محسور خواهد شد و چنانچه در این دنیا که مزرعه آخرتست بذری از تقوی و پاکیزه گی در مزرعه طهارت و پاکیزگی نکاشت و پوده غفلت و نادانی بروی دیده بصیرت و دانائی کشید محالست در آخرت بصراط نجات فایض گردد (زین سوی اجل چنانچه باشی * زان سوی اجل چنان بمانی) ای انباء وطن عزیز اگر شماها بخود رحم نکنید اقلا باین اطفال خوردسال نابالغ که ودایع حضرت آله و ثمره فواد هستند دستگیری

کنید و باین کلهای ناشکفته بوستان بشریت و ریاحین گلستان انسانیت و اثمار اشجار مدنیت رحمی نمائید و بدانید که امروز در هیچ قومی از اقوام عالم وظایفه از طوایف بنی آدم باین درجه ثمرات حیات و زندگانی و برکات تفضلات سبحانی و باقیات الصالحات انسانی یعنی این اطفال معصوم بیکنه ازهر بابت محروم و ازهر جهت مظلوم واقع نشده اند و باین پایه در سایه جهالت و تن پروری و بی موالاتی و تن آسائی اولیای خود و سر بیان خویش چون سایر مخلوق بنم و حشی پرورش نکرده اند از آفتاب روش تراست که بدون استثناء در بلاد ایران سر تراش بازاری و دلاک دوره گرد هر جایی صبح تا شام در همه جا گردش میکنند با تیغهای زنکین و پطه های چرکین و صیقلهای چرمین و ظروف آب مسین گلین که هر یک در مقام خود عین کسافت و صرف عفونت و مجسمه خبثات است و چندین همال میدانی و رجال دهقانی را از یک تیغ سر میتراشند و بدون آنکه در عرض سال با این احوال یکدفعه ان بساط کسافت را با صابون شستشو بدهند و یا تغییر و تبدیل در یکی از آنها داده باشند باز اشتغال دارند ایارواست محض صرفه موقتی و خسارت ابدی بل مادام الحیواتی موهای سر اطفال که از کل ناز کمتر و از حریر لطیف تراست با ان تیغهای کسافت خشن بامراض آلوده شده تراش کنند و بهزار گونه ناخوشیهای مزمنه مسریه

تحت الجلدی از تراش کردن یکدفعه سر اطفال را
 دو چار نمایند و آن طفل بیکناهر اما دام العمر بدرد
 های کونا کون مبتلا سازند خریدن یک تیغ و لنک
 و در خانه نگاه داشتن و هنگام ضرورت خود و اطفال
 خود بکار داشتن چه قیمتی دارد و چه مایه لازمست
 (یک از تجار محترم اصفهان باین آداب مستحسنه
 پسندیده مباشرت داشت و پیوسته در حمام از تیغ
 و پشه و سایر ما محتاج بجهت خود و اطفال خود به همراه
 میبرد) از کجادی و یاد گرفته نا معلوم بود) و آنها را
 استعمال مینمود بجای آنکه بیننده گمان تاسی کنند
 و حرکات مفیده او را یاد بگیرند زبان ملامت
 و غیبت نمودن میکشوند و لیکن
 شخصش انحراف نجست و تغییری در عمل و مسلک
 خود نداد میتوان او را نادر گفت (شرح بی موالاتی
 و عدم اعتناء ما در جزء جزء قواعد مذهبی و مسائل
 ملتی بسیار است اگر احکاماتی که در باب تغسیل
 و تطهیر وارد شده است تطبیق با خصایص انکشافات
 طبیه جدیده مینمودیم انوقت مفهمیدیم هر یک در
 جای خود چه قدرها منفعت دارد افسوس
 اول بر خلاف تاویل و تفسیر میکنیم ثانیاً در غیر
 جای خود بخرج میدهیم مثلاً هنگام وضو پا نصد
 دفعه دست را از مرفق بزیر آب فرو میبریم

و صورت را تارستنگاه مو مکرر در آب میغلطانیم
 و باز احتیاطاً محض اطمینان عمل را اعاده میکنیم
 اما از انطرف می بینیم چرکی دست نمایان و عفونت
 عرق سر کردن و ریش مو انسرا در زحمت میاندازد
 جهت آنست معنی پا کیزه کی را نفهمیده ایم تطهیر
 و طهارت با فراط تفریط آب نهائی نیست باسباب
 است و اسبابش صابون معطر است که بیکبار تمام
 کسافترا زایل کند نه آنکه بدئیات در احکام
 آلهی و اوامر رسالت پنهانی هر روزه زیاد کنیم
 (قلم اینجا رسید و سر بشکست)

ژاپون عثمانی

قبل از حدوث منازعه و قتال و وقوع مشاجره و جدال
 فیما بین دولتین متحاربتین روس و ژاپون یک از معتبرین
 رجال نظامی عثمانی (زکی پاشا) که در فنون حربیه اولین
 شخص کار آموزده بشمار است محض سیر و سیاحت رهسپار
 ولایات منجمله امریکا میشود در اننای سیاحت خود میشنود
 که دولتین متخاصمین روس و ژاپون کارشان از مشاجره
 بمقائله کشیده و طرفین روابط دولتینرا از هم بریده اند و آتش
 جنگ زبانه زانست عزم خود را جزم میکنند که بطرف
 ژاپون حرکت کنند بلکه بردیف سپاهیان در آید لیکن بدون
 حصول اجازه از اعلا حضرت سلطانی مرادش بر آورده نبود
 و خیالش صورت خوارچی پیدا نمیکرد از دربار دولت
 متبوعه خود خواهش و از درگاه اعلا حضرت سلطانی مسئلت
 مینماید که چنانچه اعلا حضرت ولینعت کل مرخص بفرمایند
 بطرف ژاپون حرکت کرده باشم بل داخل در عساکر ژاپون
 شده باشم شاید موفق بگردم از آداب فنون حربیه و مراسم

ایا ممکن نیست برادران وطنی ما هم باین جوانمرد اقتباس کنند مگر نه همه ساله اغلب بسیاحت اروپا حرکت میکنند و بسا مصارف و مخارجهای کزافرا متحمل میشوند چه ضرر داشت یکی دو نفر هم باین خیال که هم فالست و هم تماشا حرکت بطرف اقصای شرق میکردند و چندین محسناتی که کسبش سالها خواهد باندکی مدت جذب میکردند اول فیما بین دو دولت قویم مستقل مقتدر ایران و ژاپون ارتباط و یکجتهی میدادند . دویم حرکات و سکنات علوم و فنون جدیده را یاد میکردند . سیم نام دولت متبوعه و ملت نجیبه خود را در اقطار عالم بشرف نامبردار میکردند . چهارم مراجعت بوطن مقدس ذخایر میادین جنگ را که از علوم و فنون بود سر مشق قرار میدادند . پنجم نام خود را ابدی در هر صفحه تاریخ ارتباط و یکجتهی انداختن فیما بین دو دولت شرقی یادگار افتخار اسلاف آئینه خود میخادند . ششم پس از معاودت چشم کوش باز شده تدارکات لازمه دفاعیه بجهته محافظت خاک پاک و وطن مقدس فراهم میاورند . هفتم سفری رفقه سیاحتی کرده و اگر صاحب جوهر و استعداد خدا داد بوده دنیا و آخرت خود و دولت و ملت خود را معمور ساخته بودند بقراین و آثار چنان بر آید که انتهایی این جنگ زیاده از دو سال بعد بوده باشد امید و اریم بتوجهات دولتخواهانه و ملت پرورانه حضرت والا شاهزاده معظم صدر اعظم در این مقدمه بنظر حقیقت اثر بنکنند که امروز بهترین اداره جات ایران اداره عسکریه است (قلم زن نکه دار و شمشیر زن

(* مکتوب از مصر *)

• دیر معارف تخمیر جریده چهره نما جزاک الله احسن الجزا بنده ناچیز از قبل خود و هموطنان کرام ایرانیان مقیم مصر تشکر این موهبت عطا و نعمت با فیض و برکت کبرای جریده وحیده (چهره نما را)

علوم جهاد امروزه بهتر از آنچه دائم یاد بگیرم و روزی در اوامر شاهانه هوشمندانه ببادرت کرده باشم اعلمحضرت سلطان عثمانی که امروز در فطانت و کیاست قاهره اش منکری ندارد اجازه میفرماید پس از استحصال اجازه حرکت بطرف اقصای شرق میناید و از اعلمحضرت میکادویی کل ممالک ژاپون تمنا میناید که چنانچه اراده اعلمحضرت تعلق گیرد این بنده را اجازه بدهند در سلاک عساکر ژاپون منسلک شده باشم بعد از زحمات زیاد اعلمحضرت میکادو اوزارهما قبول (و بجنرال کورکی) سفارشی از او میفرماید در کمال بشاشت و خرمی آزادانه با سپاهیان ژاپون حرکت میناید در این مدت چنان آثار رشادت و بهادریه و علائم شجاعت و دلاریه از او ظهور نموده است که تمامی سران و افسران ژاپون مبهوت حرکات عاقلانه او شده اند و بقسمی خدمات خود را جلوه داده است که مکرر (جنرال کوروکی) از او پوزش خواسته و از انطرف (اعلمحضرت میکادویی ژاپون) او را بمناصب عالیه و جوایز متمالیه مفتخر فرموده اند این جوان مرد نیک فطرت شاه پرست دولت خواه دول شرق را عموماً و دولت سنیه عثمانی را خصوصاً باعث سربلندی و افتخار گردیده است علاوه بر آنکه مراتب محبت و وداد عثمانیها در قلوب ژاپونیان جای داده روابط سلسله یکجتهی دولتین عثمانی و ژاپون را هم محکم کرده تمامی جراید در ستایشش مبالغه ها دارند که این حرکات صادقانه غیرورانه (زکی پاشا) خیلی در دوائر دو دولت شرق اهمیت داد چنانچه در این اوقات اعلمحضرت میکادویی ژاپون تحف و هدایا با مراسلات محبت آمیز بدربار اعلمحضرت سلطانی کسبیل داشته اند و از جانب اعلمحضرت سلطانی جواباتیکه مشعر بر مراتب اتحاد و یکجتهی و وداد و بهکر نکیتست داده اند قدری در این مقدمه اگر بدیده انصاف بنکریم خواهیم دانست یککنفر شخص متدین تمدن غیور ملت خواه دولت شناس ملیون ملیون بر شرف و مقدار اعتبار دولت خود افزود و کورور کورور بر شوکت و سطوت سلطنت عثمانی از این خدمت بزرگ افزود

بصمیم قلب مینمایم امروز بمندرجات نافعه
 جریده مشغول بودم تا رسیدم بمقاله النظافة من
 الايمان و . . الحق آنچه بازبان قاصر نخواهم ستایش
 وتمجید نمایم کم است معلوم است این قبل مقالات
 واخبارات نافع عموم ملت است باشد روزی دیده
 ابناء وطن ازین بیانات حکمت و نصیحت آمیز باز
 شود و بخود آیند و از گرداب کسافت و خبثات خود را
 بساحل نظافت و لطافت بکشانند وهم اجانبیکه
 مراجعت از خاک پاک وطن ما ایران میکنند مارا
 بیش ازین هدف شمات نکرده باشند وهم بجهت
 ما فلک زده گان آواره از وطن اسباب سرافرازی
 و سر بلندی فراهم گردد زبانت کونینده و قلت جنبنده
 باد که دایم ازین قبل مقاله های نافعه مفیده در
 هر نسخه مندرج بفرمائی بیش ازین یارای نوشتن
 وحد تحریر نمودن ندارم میرزا جمفر اصفهانی

اداره كرك بجهت حمل نكردن فرش جوهری
 اعلانی نموده تجار هم بصاحبان شیراز ولار کله دار
 اطلاع دادند که سخت مانعند یعنی بدون کم و زیاد
 هر گاه در بیکار چه قالی ده ذری در حاشیه یا متن
 او بفرمی نفهمی رنگ جوهری داشته باشد ضبط
 و علاوه جریمه بسزا میکنند تجار شیراز بو شهر
 غیره تلکرافا از خاکپای همایونی چهار ماه مهلت
 خواسته اند ولیکن بقراین امید شان نا امید است
 و ذری نه بخشد مقصود تجار براین است که خوب
 بود مقدم اعلانی کرده بودند که ما بیخبر خرید
 نکنیم اینک اعلان رئیس کمرکرا فرستادم

✽ اعلان دولت علیه ایران ✽

(از طرف رئیس اداره کمرکخانه لنکه)

بر تمام تجار و کسبه و اهالی ایران اعلان میدهد
 بموجب فرمان قضا جریان مبارک اعلم حضرت شاهنشاه
 ایران روحنا فداه که از دار الخلافه طهران رسیده
 است اولاً بکلی ممنوع است حمل نمودن قالی که
 رنگ جوهر داشته باشد اگر چنانچه کسی بخواهد
 بجهت بنادر یا جای دیگر بار نماید مقتضی اداره
 جلیله کمرکخانه دولت علیه ایران واری می کنند
 اگر رنگ جوهر داشته باشد ان مال ضبط دولت

بندر لنکه

خبر نکارما
 بحمد الله والمنة مدتیست
 دیگر از اطراف و اکناف خبری و آثاری نیست و ناخوشی
 از سواحل و جزایر و بنادر خلیج فارس که بکلی مرتفع
 شده است انشاء الله بعدها در عمل حفظ الصحة
 بطریق خوبی باید اقدام شود و بقسمی قیام نمایند
 که هر چند سال دیگر این ناخوشی بروز نکند
 در سنه ۱۳۱۱ بود این ناخوشی بروز کرد تا حال
 که تجدید شد تمامی از سوء کسافت کاریست

شد لیکن تجار محترم آسوده بوده باشند که بجهت
منع تریاک غلب لا بد اعلان قبل خواهند فرمود
وما مختصری در این خصوص در شماره قبل نوشتیم
وباز خواهیم نکاشت

✽ رعیت پرورے ✽

بقرار اخبار اخیر عرض عاجزانه و تمناي عیب‌دانه تجار
مقرون باجابت شده از طرف قرین اشرف اعلم حضرت
شاهنشاه ملت خواه رعیت نوازا من بوزارت کمرکات
گردیده که از شهر شعبان الی سلخ شوال که مدت
سه ماهست به تجار مهلت بدهند که هر چه فرش
دارند حمل نمایند

✽ انزلی ✽

خبر نکار ما بواسطه مولودیکه خداوند باعلحضرت
امپراطور روس عنایت فرمود و در روسیه ان مولود
را بفال ینک گرفتند هم چنین در بعضی بلاد ایران
بواسطه هم جواری واتحاد بان مولود و خانواده سلطنتی
امپراطوری و اقبال ان دعا نمودند و مسلمانان خارجه
مقیمین انزلی در مسجد اجتماع کرده با حضور نایب
قونسل گری روس خطابه ذیل را جناب میرزا ابوذر
وکیل جراید قرائت نمودند

(نطق و خطابه)

حمد بیحد و ثنای بی‌محد نثار بارگاه کبریای
خداوندی که دول و ملل مختلفه و عباد و بلاد متباعده
را بقوت علم و دانش و سیاست و بینش بایکد یکر

خواهد شد و جزای صاحب مال مذکور بمقابل قیمت
ان جریمه خواهد شد و هر گاه کسی بخواهد بطریق
مخفی بار بکند چه از راه دریا و چه از راه خشکی
اجزای اداره اورا بدست خواهند آورد و انمال را
ضبط دولت خواهند کرد و دو علاوه قیمت انمال
از شخص صاحب مال بعنوان جریمه خواهند گرفت
و هم چنین اگر قالی در جوف اجناس مثل کتدم
وجو و قماش و غیره بطور مخفی بگذارند که بار
نمایند ان قالی با ان جنس که همراهست جمیعاً ضبط
دولت خواهد شد و غیر از دو علاوه قیمت مال که
جریمه میشود صاحب مال مدت یکسال مقید
و محبوس خواهد شد بجهت اطلاع عموم نوشته شد
امضا (برجوه مدیر)

چهره نما

محقق است مریض هرگز راضی باشامیدن
مسهل تلخ بدبویست و نداند خواصش چیست که
اورا پاک و از چنکال مرک نجات میدهد و محالست
که رعیت پی بر مقاصد مفیده دولت به بردولو تمامی
نفعش باشد انکه تجار محترم مهلت خواسته‌اند
و مذاکره داشته‌اند خوب بود قبل اعلان میکردند
انوقت فرشهای بافته شده بدست مشت ایل نشین
و خلقي وادیه گزین میانهم تر است که غفلتا اعلان

مربوط و همدستان و همراز نمود و درود فراوان بر تمام فرستاده کان و نزدیکان او چون دیرکاهیست که آغاز اتحاد و اسم و رسم یکانی و حقوق همسایه گی ما بین دولتین بهیتین ایران و روس بر قرار آمده از خدا خواهانیم بقای این دوستی و اتحاد را تا قیام قیامت باقی و بر قرار بدارد سپس ما مسلمانان و رعایای دولت فلك رفعت روس ساکنین این سامان از دل و جان و صدق لسان یکدل و یک زبان از مولود مسعود و ازین پسر که نور بصر اعلحضرت امپراطور معظم است در این محضر شریف که خانه خداست بشکرانه این نعمت بی پایان دعا گویند و رطب اللسانیم و از قدوم بهجت لزوم این مولود مبارک فتح و ظفر دولت بهیه روس را در اقصای شرق از خدا خواهانیم (آمین)

* * *

* بهانه جراید فرنك *

روزنامه جات فرنك که همیشه منتظر حدوث بعضی وقایع و ظهور برخی بدایع که توان اورا مصدر ظنیات و مبحث موهومات کرد این اوقات بزرگترین دست آویزی برای تصورات بی معنی و حدسیات خیالی بدستشان آمده خصوصاً جراید مصوره را مبحث پر منفعت بامایه که توان هر روز بشکلی در آورد و هر هفته برنکی دیگر جلوه دادگیر آمده و ان اینست که در این هنگام که آتش جنك ژاپون و روس شراره اش وضع و شریف و کبیر و صغیر را

سوزنده و اخگرش شعله زن بهر بوم و برزنست دولت روس یکفوج سوار قزاق از جنس نسوان و دختران بلاد سبیر یا که عبارت از هزار نفر بوده باشند بسر داری (مادمازل مارکاریت) ترتیب داده و روانه شرق اقصا نموده است حدوث این واقعه جراید ساده و مصوره اروپا بهترین بهانه بجهت حشو زواید و نقشه کشی و صورت پردازی بدست آمده هر يك داستانتها دارند و افسانه ها میخوانند و بر حاشیه افکار خود چیزها مینگارند که از اول بدات معرکه آرایی طبقات عالم و نخستین رزم آزمائی طوایف بنی آدم تا حال حکم قتال و امر جدال بر سلسله نسوان و جنس زنان جاری بنوده و تا امروز متوحش ترین ملل عالم مرتکب چنین کاری نمکشته اند آیا دولت روس را چه وادار کرده باین عمل که وحشت صرفرا ندا کوست مبادرت کرده ایا که محرك شده است با عقل ناقص که این بیچاره گان بیکناها در ورطه بلایند از ندولکه بدنایمی و سیه کاری بر صفحه تاریخ مقتدر ترین دول معظم بگذارند آیا کدام دور از غیرت و حمیت رضا میدهد که ساعد بلور که رشك پنجه خوراست بخون غلطد و رخساری که مایه سور و سرور است از خون کلکون گردد حیف نباشد کسانی که اندامشان سراسر چون بهشت آدم و روضه ارم مصفا است و پیکر شان از غایت لطافت و دلارائی سراسر رعناست در عرصه میدان پامال سم ستوران شوند و اشخاصیکه حدائق چشمانشان بکردار غزال مست و کمان ابروانشان از پی نخچیر عالمی تیر

بر شصت و کند تار کیسوانشان دام انسان کشتی
 کسترانیده قطعه قطعه روی هم بالای هم از آتش
 توپ و تفنگ بریزند مختصر انقدر داد طرفدار می نمایند
 و حقوق نسوانا مهیا می سازند که خواننده اول فکرش
 بمطالعه این اقوالیست حال چه وادار کرده
 که دولت روس باین خیال افتاده و اعلا حضرت
 امپراطور روس بجهت و داع آنها و دیدن حرکات نظامی
 و غیره شان بطرف عدسه حرکت فرموده هر کس رانی
 میزند ما را عقیده بر این است محض تهیج غیرت و تحرك
 حمیت لشکریان نسوانا اجازه داده اند که قریب
 بمیادین جنک حاضر شوند و لا بد محافظ و محارس
 در هر جا دارند و نباید آنها را بخصوص جنک ترتیب
 و تربیت داده و روانه شرق اقصا شان کرده باشند
 چرا که روسیان پابست باین قیودات غیر تدارکی
 نیستند متها محض تشویق لشکریان بجنک و ترغیب
 سپاهیان بحرب نسوانا بلباس (فورم) قزاق در آورده
 اند اگر چه هر چه از سستی مشاعر و شکسته گی افکار
 آنها گفته شود اند کست لا کن این قبل پولتیکها مثل
 کشیش را رئیس مقدمه الجیش قرار دادن و نسوانا
 بمیادین جنک حاضر کردن شاید بجهت لشکریان روس
 بی فایده نباشد و باقتضای وقت و مصلحت موقع اقدام
 باین قبل کارها کنند چه که گفته اند (ز اب خورد
 ماهی خورد خیزد

تقریظ

بناف آهوی چین دست بردم
 گلوپه خامه زانديشه فشردم

زخون دل که درنافش بهم داشت
 کجا از آهوی چین پای کم داشت
 سیه خونی برنك و بوی ناه
 بدفتر ریخت بی گفت و گرافه
 بنقش نامیه مانی نوے داد
 نوي طرز زبان پهلوي داد
 زه وئینه قلم در چهره سازه
 بکافور ورق فکرم یازے
 که از ارزنك باری باز گهم
 گلوپه دیوکژ درگاز گهم
 گوازه آمدم بر نقش چینی
 که نقشیند پسا از خویش بینی
 هان ترکان که چشم مست دارند
 بدم خود دلم پابست دارند
 حدیث پنشه است و فرق فرهاد
 چه از هندوو از خالش کنم یاد
 (کیابندت) هان ز نارشان خوش
 مراندر دامن اغیارشان خوش
 بنامه نقش نازے نازه پرکار
 بدل کفتم بیاید چار و ناچار
 ولیکن آب چشم من مدارا
 ندارد بامن بیبدل خمدارا
 همی گوید گریز ازین نکویان
 بترس از عادت این ماهرویان
 که اینان چشم جادوکار دارند
 نه خود مغزودل هشیار دارند
 بخون عاشق آآیند پنجه
 بخواری بیکشندش در شکنجه
 همی ترسم کرین نقش آوری باز
 خراب افتد مداین تابا هواز
 بنقش این چنین دیگر وزن دست
 بنالد یزد جردم گوش جان خست

کج و کژ کار و کژ راه و کژ آهین
 بجشم راست در این چار کثر بین
 جفا کارو جفا یارو جفا کیش
 نداند فرق از بیگانه تا خویش
 ز آزار تنارے جان به بیمار
 ن از بیمار جان افتاد بیمار
 ز بیماری تنم چندی نیاسود
 روان آم مدام از چشم تر بود

« تلکرافات عمومی از ۲۰ شعبان »

لندن - حاکم شهر (هول) خبر میدهد که تمامی
 کشتیهای صیادی از اثر (اسطول) دسته کشتیهای
 بالتیک در دریای شمالی خسارت کلی دیده اند
 هول - یکفرزند کشتی صیادی (سنیب) که
 حامل تمامی صیادان مجروحی کشتی (کران) بود وارد
 گردید چند نفر از صیادان ازین مهلکه جان سلامت
 برده اند

لندن - مخبر دیلی ینو خبر میدهد که فرمان
 (امیرال روحیه ستیف نسکی) فرمانده دسته کشتیهای جنگی
 روس که از دریای بالتیک بشرق اقصا در حرکت هستند
 بالغ از یکصد کشتی صیادان ماهی گری دریای شمالی
 شکسته و بیکار شده است

فانکوفر - اعلمحضرت میکادوی ژاپون قشون
 احتیاطی شهر (کولومبا) را اجازه داده اند که باوطن
 خود بر گردند

پتروسبورغ - مخبر روتر خبر میدهد که روسها
 دو طرف نهر شاهو و شمالی مقدنزا تخلیه کردند و ژاپونیا
 بقوه برش تمامی راه های آنها تصرف کرده اند

لندن - اعلمحضرت پادشاه انگلستان موه کدا حکم
 بمرکت دسته کشتیهای جنگی دریای (المانش) و سایر بیجار
 انگلستان داده اند

کجهانالد زرخم آسیابان
 که آمد برنش از جور اینان
 باندرزم چو آب چشم ترکفت
 بروم روس افرنجیم سفر کفت
 که باید رنج بردن پیش استاد
 بکفتار کهن دهکام این یاد
 سهیل از سبب راصورت نیازرد
 بگاه تربیت رنجکش به پز مرد

ولی افسوس کاندرا کاوش گنج
 مرشد بهوده اندر جهان رنج
 به پیشی جتم و کم یافتم کام
 چنین بود از کهن آهین ایام
 تنارستان گزیدم چند که جای
 ندیدم از تناری دانش و رای
 بموی همچو زنارش کنداست
 لب نوشش همه برنوش خنداست
 بقدم سرو و بصورت تافته ماه

زنخدانش بیوسف طلعتان چاه
 بجشم آهو به آهوسه خطائی
 همی گهرد بفن دلربائی
 برخ باغ و بجان چون خارسانی
 بمنی بهر در صورت جوانی

زاهریم همش آموز گاریست
 نه بایزدانیانش راز داریست
 نه آزره آورد از کرده خویش

نه با آزره دارد کار درویش
 بدستور بدانش روزو شب کار
 بکار درره همسایگان خار

نه بیگانه شناسد نه بیگانه
 بسوزد مرغرا با آشیانه
 سکوبارا بدیدر اندر کشدزار

نداند صبحه را بارے ززار